

سوره هفدهم - اسرا یا بنی اسرائیل

این سوره در مکه نازل شده و ۱۱۱ آیه دارد.

به نام خداوند بخشنده مهربان

منزه است خداوندی که شبانه بنده خویش را از مسجدالحرام به مسجد الاقصی برد. مسجدی که گرداگردش را برکت نهادیم تا از آیت‌های ما بدو بنمایانیم. همانا او شنوای بینا است. (۱)

و به موسی کتاب دادیم و آن را برای بنی اسرائیل هدایتی ساختیم (و گفتیم که) جز من برای خود سرپرستی مگیرید! فرزندان کسانی که آنها را با نوح در کشتی برداشتیم. همانا که او بنده سپاسگزاری بود! و در آن کتاب بنی اسرائیل را آگاه ساختیم که شما دو بار روی زمین فساد می‌نمائید و برتری‌جویی می‌کنید برتری بزرگ! (۲ - ۴)

و چون موعد فساد نخستین فرا رسد بندگان سخت رزم‌آور و نیرومند خود را بر شما برانگیزیم که حتی داخل خانه‌های شما را بگردند (و غارت کنند) و آن وعده حتمی باشد! بعد از آن باز شما را بر آنان نصرت دادیم و با مال و فرزندان به شما یاری رسانیم و شما را از حیث لشکر فزون‌تر گردانیم. (۵ - ۶)

اگر نیکی کنید برای خود نیکی کرده‌اید و اگر بدی کنید آن را هم برای خویش نموده‌اید. پس چون نوبت فساد دیگر آمد (کسانی را بر شما مسلط گردانیم که خوف آنها بر رخسار شما اثر کند) سیماهای شما را زشت گرداند و بدان سان که بار اول وارد مسجد (بیت المقدس) شدند این بار نیز در آن درآیند و به هر چه دست یابند به سختی آن را ویران نمایند! شاید پروردگارتان بر شما رحمت آورد. اگر شما به گناهکاری برگردید ما هم بر سر عقوبت باز شویم. و دوزخ را برای کافران زندان قرار داده‌ایم! (۷ - ۸)

همانا قرآن به راه راست‌تری هدایت می‌کند و به مؤمنان نیکوکار بشارت می‌دهد که پاداش بزرگی برای آنها است! و (نیز خبر می‌دهند) کسانی که به آخرت ایمان نیاورده‌اند بر آنان عذاب دردناکی آماده کرده‌ایم! و انسان بدی را می‌خواهد بدان گونه که خیر را طلب می‌نماید و انسان عجول و شتابگر می‌باشد! (۹ - ۱۱)

ما شب و روز را دو آیت قرار دادیم. چون شب را برطرف کنیم روز را روشن گردانیم تا شما از فضل و نعمت پروردگارتان بهره بجوئید و نیز شمار سال‌ها و حساب اوقات خود را بدانید و ما هر چیز را به تفصیل بیان کردیم تفصیل کردنی! نامه عمل هر کس را به گردنش آویختیم و روز قیامت کتابی بر او درآوریم که برای ملاحظه او باز باشد. (و گوئیم) کتاب را بخوان. امروز شخص تو برای رسیدگی به حساب خود بس باشی! هر کس هدایت یابد پس برای خود هدایت یافته است و هر کس گمراه گردد برای خویشتن گمراه گشته است. هیچ باربرداری بار گناه دیگری را بر دوش نکشد و ما پیش از آن که پیامبری برانگیزیم هرگز کسی را عذاب ننمائیم! (۱۲ - ۱۵)

هرگاه خواهیم اهل شهری را (به کفر اعمال بدش) هلاک گردانیم بزرگان و هوسرانان آن را (به اطاعت اوامر الهی) دستور می‌دهیم ولیکن آنها نافرمانی می‌کنند پس عذاب بر آنها فرود آید و آنها را به سختی هلاک گردانیم! و چه بسیار اقوام و مللی را بعد از نوح (به جرم کفر و عصیانشان) هلاک ساختیم و کافی است که پروردگارت به گناهان بندگان بینا و بعضی از مفسران اولین فساد بنی اسرائیل را کشتن زکریا نبی گفته‌اند و کسی را که نیرومندانه بر آنها پیروز گشته بخت‌النصر بابلی ذکر کرده‌اند. بعضی مفسران کشتن یحیی‌ع را فساد دوم آنها گویند می‌دانند.

آگاه است! (۱۶ - ۱۷)

هر کس متاع و نعمت این جهان را خواهد ما اندر این جهان آن چه را که خواهیم و بر کسی که خواهیم سریعاً بدهیم سپس دوزخ را برای وی منظور داریم که نکوهیده و رانده شده در آن قرار گیرد! و کسی که آخرت را بخواهد و سعی خود را بر آن مصروف دارد و خود نیز مؤمن باشد پس بکوشش چنین کسانی پاداش داده خواهد شد. ما همه اینها و آنها را از بخشش خود مدد می‌دهیم و عطای پروردگار تو منع شدنی نیست! بنگر چگونه بعضی را بر بعضی دیگر برتری دادیم. البته در آخرت درجات بزرگتر و فضیلت‌ها بیشتر خواهد بود! (۱۸ - ۲۱)

هرگز با خدا معبود دیگری قرار مده که نکوهیده و زبون می‌گردد! و دستور پروردگارت این است که جز او کسی را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید. هرگاه یکی یا هر دوی آنها به پیری برسند زهار سخنی که بر آنها ملال‌خاطر آورد بر زبان مران و بر آنها بانگ و نهیب مزن و با آنها به‌لطف و نکوئی سخن گوی! از روی تواضع و مهربانی بال خویش پیش آنها بگستر و بگو پروردگار! رحم کن بر آنان بدان گونه که آنها مرا در کودکی پرورش دادند! (۲۲ - ۲۴)

پروردگارتان بدان چه در دل‌های شما است دانتر است. اگر از نیکوکاران باشید بی‌گمان او نیز توبه کنندگان را می‌آمزد! حق خویشاوندان را به آنها بده و مسکینان و رهگذران درمانده را به‌حق خوشان برسان و هرگز اسراف منما زیرا اسراف کنندگان برادران شیطان هستند و شیطان بر پروردگارش ناسپاس می‌باشد! و اگر از آنها برای طلب رحمت و گشایشی از پروردگارت روی بگردانی به نرمی با آنان سخن بگوی! (۲۵ - ۲۸) هرگز دست خود را بسته به گردن خویش قرار مده (منظور خست مکن) و هرگز آن را به تمامی مگشای (یعنی هر چه داری مبخش) که ملامت دیده و حسرت خورده بنشین! پروردگار تو همانا به هر که خواهد وسعت روزی عطا کند و یا آن را تنگ سازد زیرا او بر بندگانش آگاه و بینا است! اولاد خود را از ترس فقر و نداری مکشید. این مائیم که آنها و شما را روزی می‌دهیم. به راستی کشتن آنها گناه بزرگی می‌باشد! (۲۹ - ۳۱)

هرگز به زنا نزدیک نشوید که آن کار ناشایست است و روش بدی می‌باشد. و نفسی را که خدا حرام کرده است مکشید مگر آن که به حق باشد و هر کس مظلوم کشته شود بر ولی او نسبت به قاتل تسلط داده‌ایم. پس در قتل زیاده روی ننمائید که او نصرت یافته است! و هرگز به مال یتیمان نزدیک نشوید مگر به طریق بهتر، تا او به حد بلوغ برسد! به عهد و پیمان خود وفا کنید زیرا در قیامت از عهد و پیمان سؤال خواهد شد! و هنگامی که پیمان‌ها یا وزن می‌کنید پیمان‌ها و کیل را تمام بدهید و با ترازوی درست و راست وزن کنید که آن نیکو است و عاقبتش نیکوتر می‌باشد! بر چیزی که علم و آگاهی نداری پافشاری منما. همانا گوش و چشم و دل آدمی همگی از آن سؤال کرده می‌شوند! در روی زمین با تکبیر و فخرفروشی راه مرو که هرگز زمین را نخواهی شکافت و هرگز در بلندی‌های کوه‌ها نخواهی رسید! (۳۲ - ۳۷)

همه اینها بدش در پیشگاه خدا ناپسند به‌حساب می‌آید! این است آنچه پروردگارت از حکمت بر تو وحی کرده است. هرگز با خدا معبودی دیگر قرار مده و گرنه ملامت زده و رانده‌شده (از رحمت الهی) در دوزخ افکنده شوی! آیا خدا شما را به داشتن پسران مختص

۱. نوشته‌اند برخی از صحابه فقیر گاهی از رسول پیروی کمک می‌خواستند و او نمی‌داشت و لذا از شرم از آنان اعراض می‌نمود خدا در این ایفهمود کمر چنین مواردی به آنها و عده نیکو بده و سخن نرم و لطیف‌گوی.

ساخته و فرشتگان را دختران خود قرار داده است؟ حقا که سخن گراف و گران می‌گویند.
(۳۸ - ۴۰)

ما در این قرآن (سخنان بلیغ و رسا) بیان کردیم تا پند گیرند ولی جز به نفرت آنها نمی‌افزاید! بگو اگر چنان‌که می‌گویند با خدا معبودان دیگری نیز بودند در این صورت آنها به سوی خداوند عرش راهی می‌جستند! خدا پاک و منزّه است از آن چه می‌گویند و والا و بزرگ می‌باشد. آسمان‌های هفت‌گانه و زمین و هر چه در آنها است بر او تسبیح می‌گویند و هیچ موجودی پیدا نشود که به سپاس و ستایش او تسبیح گوی نباشد ولیکن شما تسبیح گفتن آنها را در نمی‌یابید. به راستی که خدا بردبار آمرزنده است! (۴۱ - ۴۴)

هنگامی که تو قرآن تلاوت می‌کنی میان تو و آنهائی که به آخرت ایمان ندارند حجاب و پرده‌ای قرار می‌دهیم و بر دل‌های آنها پرده‌ها می‌نهمیم و بر گوش‌هایشان سنگینی افکنیم (که فهم آن نکنند) و چون تو پروردگارت را در قرآن به وحدانیت یاد کنی آنها روی گردانند و گریزان شوند! ما بهتر می‌دانیم هنگامی که به تو گوش فرا می‌دهند برای چه گوش می‌دهند و نیز هنگامی که با هم درگوشی صحبت می‌کنند و به دیگران گویند شما جز مرد جادوشده‌ای را پیروی ننمائید! (۴۵ - ۴۷)

بنگر که آنها چگونه بر تو مثل‌ها زدند در نتیجه گمراه شدند و ره به جایی نتوانند برد! و گفتند آیا ما چون استخوان پوسیده گشتیم یقیناً با آفرینش جدیدی برانگیخته می‌شویم؟! بگو (اگر) سنگ و آهنی هم باشید یا موجودی که در دل‌های شما بزرگ جلو مگر می‌شود (برانگیخته می‌شوید). پس می‌گویند چه کسی ما را باز می‌گرداند؟ بگو همان کس که اول بار شما را آفرید. آنگاه (بر سیل استهزاء) به سوی تو سر جنبانند و گویند این بازگشت کی خواهد بود؟! بگو شاید نزدیک باشد. آن روز که شما را بخوانند با حمد و ثنای او آن را اجابت می‌کنید و چنین می‌پندارید که جز اندکی درنگ نکرده‌اید! (۴۸ - ۵۲)

(ایرسول) به بندگان من بگو که همواره سخت نیکو بگویند. زیرا شیطان (با گفتار نامناسب) بین آنها فساد انگیزد. به راستی که شیطان برای انسان دشمن آشکار می‌باشد! پروردگارتان به حال شما داناتر است. اگر بخواهد شما را ببخشد و اگر بخواهد عذاب کند و ما تو را بر آنان نگاهبان نفرستادیم! پروردگارت به هر چه در آسمان‌ها و زمین است داناترست و بهیقین ما بعضی از انبیا را بر بعضی دیگر برتری دادیم و به‌داوود زیور را عطا کردیم. (۵۳ - ۵۵) بگو آنانی را که شما سواى خدا پنداشتید بخوانید آنها نمی‌توانند از شما دفع ضرر کنند و یا آن را تغییر دهند! آن کسان که آنها را می‌پرستند خود به سوی پروردگارشان وسیله می‌جویند تا کدامشان بدو نزدیکتر باشند و رحمت او را امید دارند و از عذاب خدا می‌ترسند. به راستی عذاب پروردگارت شایسته ترس می‌باشد. (۵۶ - ۵۷)

هیچ شهر و دیاری نیست مگر آن که ما، قبل از روز رستاخیز، مردم آن را هلاک گردانیم یا آنها را با عذاب سختی معذب داریم و آن در کتاب نوشته شده است! هیچ امری ما را باز نداشت که معجزاتی بفرستیم جز این‌که پیشینیان آن را تکذیب نمودند^۱. و نمود را ناقه دادیم که نشانه و آیتی باشد و بر او ستم کردند. و ما آیات و معجزات را جز برای بیم دادن نمی‌فرستیم! هنگامی که به تو گفتیم خدای تو بر مردم احاطه دارد و قرار ندادیم آن

۱. مکیان به حضرت محمد ص گفتند اگر تو به راستی پیامبر خدای کوه صفا را طلا کن. خدا فرمود هیچ امری مانع آن نیست جز این که پیشینیان آن خواستند و چون دادیم آن را تکذیب نمودند و شما هم آن کنید.

رؤیا را که بر تو نمودیم، و درخت نفرین شده در قرآن را، مگر جهت آزمایشی بر مردم. و ما آنها را بیم می‌دهیم و جز سرکشی بزرگ بر آنان نمی‌افزاید! (۵۸ - ۶۰) و چون به فرشتگان گفتیم بر آدم سجده کنید پس همگی سجده کردند مگر شیطان که گفت آیا من بر کسی که از گل آفریدی سجده کنم؟ آیا دیدی او را بر من برتری دادی؟! اگر مرا تا روز قیامت فرصت دهی همه فرزندان او را، جز اندکی از راه به درمی‌برم! (۶۱ - ۶۲) فرمود برو! که هر کدام از آنان که تو را پیروی کنند بی‌شک دوزخ کیفر شماها خواهد بود. کیفر کاملی! هر که را از آنان که بتوانی به دعوت و وسوسه خویش بلغزان. و سوار و پیادگان خویش بر آنها برانگیز. و در اموال و اولاد آنها مشارکت بنما. و به آنان نوید بده! آری شیطان جز فریب بر آنان و هده نمی‌دهد! یقیناً تو را بر بندگان من تسلطی نباشد و نگاهبانی پروردگارت کافی است! (۶۳ - ۶۵)

پروردگار شما است که کشتی را برای شما در دریا به حرکت درمی‌آورد تا از فضل و برکت او روزی بطلیبد زیرا او بر شما مهربان است! و چون در دریا زبانی متوجه شما شود کسی که غیر از خدا او را می‌خوانید از شما گم گردد. و چون خدا شما را به سوی خشکی نجات داد (باز) از او روی بگردانید. که انسان بسیار ناسیاس است! مگر ایمن شدید از این که شما را در یک سوی دشت فرو برد؟ یا بارانی از سنگریزه بر شما بفرستد؟ پس از آن نگاهبانی برای خویش نیابید! یا ایمن شدید از این که شما را به دریا بازگرداند و باد شکننده بر شما بفرستد و به سبب کفرتان شما را غرق سازد؟ آنگاه برای خویش یاور و فریادرسی جهت انتقام علیه ما در آن باره نیابید! (۶۶ - ۶۹)

به تحقیق ما بنی‌آدم را بسیار گرامی داشتیم و آنها را در دریا و خشکی برنشاندیم و از چیزهای پاک به آنها روزی دادیم و آنها را بر بیشتر مخلوقات برتری بزرگی بخشیدیم! روزی (در قیامت) همه امت‌ها را بابتشواپانشان فرا خوانیم پس هر کس که نامه عملش در دست راست داده شده باشد آنها نامه عمل خود را بخوانند و به اندازه گودی میان هسته خرما بر آنان ستم روا نگرند! و هرکس که در این دنیا (در درک حقایق) نابینا باشد پس او در آخرت هم نابینا و گمراهتر خواهد بود! (۷۰ - ۷۲)

نزدیک بود (ای‌محمد) تو را از آنچه به تو وحی کرده بودیم باز دارند تا غیر از آن چه را که بر تو وحی کرده بودیم بر ما دروغ بندی و آنگاه آنها تو را دوست دارند! و اگر ما با وحی خود تو را ثابت نمی‌دادیم نزدیک بود اندکی به سوی آنها متمایل شود! در این صورت ما دو چندان عذاب در زندگی و دو چندان بعد از مرگ بر تو می‌چشانیدیم. آنگاه برای خویش در برابر ما یآوری نمی‌یافتی! نزدیک بود تو را از سرزمین خود بلغزانند و از آنجا بیرون کنند و در این صورت پس از تو جز اندکی درنگ نمی‌نمودند! سنت همه پیامبرانی است که پیش از تو فرستادیم و تو برای سنت ما دگرگونی نمی‌یابی! (۷۳ - ۷۷)

نماز را از موقع زوال خورشید تا تاریکی شب به پای دار و نماز صبح را نیز به جای آر. همانا در نماز صبح (فرشتگان) حاضر آیند! و پاسی از شب را به نماز بیدار باش که فزونی است بر تو. باشد که پروردگارت تو را به مقام ستوده‌ای برانگیزد. و بگو پروردگار! مرا (در هر جا، در قبر و در محشر) با قدم صدق داخل کن و با قدم صدق درآر. و ۱. دیدار پیامبر در شب معراج که با کلمه رؤیا ذکر شده و نیز درخت ملعونه یا زقوم که در قرآن آمده آزمایشی برای مردم بود که مؤمنان را از کافران ممتاز دارد. مؤمنان آنها را قبول دارند ولی کافران انکار می‌کنند. ۲. یهودیان به حضرت محمد گفتند می‌دانی شامات جای انبیاء و سرزمین مقدس است. تو بهتر است که به آنجا بروی. اینجا که جای نبی نیست. پیامبر از شهر بیرون آمد که بدانجا برود این آیه آمد که چنین نکند.

از جانب خویش دلیل و حجتی، که مددکار باشد بر من عطا کن! و بگو حق آمد و باطل ناپود گشت بی‌گمان باطل ناپود شدنی است. (۷۸ - ۸۱)

و از قرآن آن چه را که شفا و رحمت بر مؤمنان است فرومی‌فرستیم و ستمگاران را جز زیان نیفزاید! هر وقت بر انسان نعمتی عطا کنیم روی بگرداند و از ما دوری جوید و اگر شر بدو روی آورد نومید گردد! بگو هر کس بر طبق طبیعت خویش عمل می‌کند و پروردگارتان به کسی که همواره راه هدایت یافته است داناتر می‌باشد. (۸۲ - ۸۴)

و از تو درباره روح می‌پرسند. بگو روح از امر پروردگار است و به شما جز اندکی، علم داده نشده است! (۸۵)

و اگر بخواهیم آن چه را که بر تو وحی کردیم می‌بریم بعد از آن برای خویش بدان بر ما نگاهبانی نیایی! مگر رحمت از جانب پروردگارت که فضل و رحمت او بر تو بیشتر می‌باشد. (۸۶ - ۸۷)

بگو اگر همه انس و جن جمع شوند که مانند این قرآن بیاورند هرگز نتوانند اگر چه بعضی از آنها پشتیبان بعضی دیگر باشند! همانا ما در این قرآن برای مردم از هر مثلی آوردیم اما بیشتر آنها جز ناسپاسی را نپذیرفتند. و گفتند هرگز به تو ایمان نمی‌آوریم مگر آن که از زمین برای ما چشمه‌ای بیرون آوری. یا باغی از درختان نخل و انگور داشته باشی که در میان آنها نهرها روان گردانی، روان ساختی. یا آسمان را، چنان که پنداشته‌ای، پاره پاره بر ما فرو افکنی یا خدا و فرشتگان را رویاروی ما بیاوری. یا تو را خانه‌ای از طلا باشد، یا در آسمان بالا روی و ما بدین بالا رفتن تو ایمان نیآوریم مگر آن وقت که از آن بالا برای ما نوشته و کتابی نازل گردانی که آن را بخوانیم ... بگو پروردگار من منزّه است. مگر من جز بشری هستم که رسالت یافته‌ام؟! (۸۸ - ۹۳)

بعد از آن که راه راست بر مردم نموده شده و هدایت بر آنها آمده است چه امری مانع آنها شده است که ایمان بیاورند؟ جز این که گفتند چگونه خدا بشری را به پیامبری برانگیخته است؟! بگو اگر در زمین فرشتگانی بودند که به آرامی راه می‌رفتند (یعنی ساکن زمین بودند) البته برای آنها از آسمان فرشته‌ای را به رسالت می‌فرستادیم! (۹۴ - ۹۵)

بگو خدا میان من و شما گواه بس است که او بر بندگان خویش آگاه و بینا است. هر که را راهنمایی کند او هدایت یافته است و هر که را گمراه گذارد جز خدا هرگز یاران و یاورانی بر آنها نخواهی یافت و در روز قیامت آنان را بر چهره‌هایشان برانگیزیم کوران و کران و گنگان. جایگاه آنها جهنم باشد. هر زمان که آتش آن فرو نشیند بر آن بیافزائیم! این سزای آنها است زیرا کفر ورزیدند و گفتند چگونه ما وقتی استخوان و خاک شدیم آیا باز آفرینش جدیدی برانگیخته می‌شویم؟! آیا ندیدید خدائی که آسمان‌ها و زمین را آفرید قادر است مانند آنها را بیافریند؟ و بر آنها مهلت و اجلی را، که در آن شک و تردید نیست، قرار دهد؟ و ستمگاران جز ناسپاسی را قبول نکردند! (۹۶ - ۹۹)

بگو اگر خزائن رحمت پروردگارم را هم مالک می‌بودید باز از ترس این که درویش و نادار شوید از انفاق و احسان دست فرومی‌بستید و انسان بخیل می‌باشد! (۱۰۰)

و همانا ما نه آیت و معجزه به موسی دادیم. پس از بنی‌اسرائیل بپرس چون او نزد فرعونیان آمد فرعون بدو گفت ای موسی! تو را جادو زده می‌پندارم! موسی گفت یقیناً می‌دانی این آیات را، که برای انسان‌ها بصیرت‌ها است، جز پروردگار آسمان‌ها و زمین کسی نفرستاده و ای فرعون! من تو را هلاک شده تصور می‌کنم! پس (فرعون) خواست آنها

۱. این نه معجزه را دست بیضاء، عصا، زبان، دریا، طوفان، ملخ، قمل، قورباغه و خون نوشته‌اند.

را از روی زمین برکنند ما او و همه کسانی را که با او بودند غرق کردیم و پس از آن به بنی اسرائیل گفتیم در آن سرزمین مسکن گزینید تا آن گاه که وعده آخرت فرا رسد که همه شما را با هم مبعوث گردانیم! (۱۰۱ - ۱۰۴)

ما قرآن را به حق نازل کردیم و به حق فرود آمد تو را هم جز بشارت‌دهنده و بیم‌کننده نفرستادیم. قرآن را جزو جزو فرستادیم که تو آن را با تائی بر مردم بخوانی و آن را فرو فرستادیم فرو فرستادنی. بگو اگر شما بدان ایمان بیاورید یا نیاورید (یکسان است). همانا آنهایی که پیش از این به آنها علم داده شده است هنگامی که بر آنها خوانده شود سجده‌کنان بر روی زنج‌های خود فرو افتند^۱. و به گویند پاک و منزّه است پروردگار ما. بی‌گمان وعده پروردگار ما شدنی است! و گریه‌کنان بر روی زنج‌های خود افتاده گریه می‌کنند و فروتنیشان بیشتر می‌گردد! (۱۰۵ - ۱۰۹)

بگو اگر شما خدا را "الله" بخوانید یا "رحمن" و یا هر کدام را (فرق نمی‌کند). نام‌های نیکو خاص اوست. و در نماز صدا را بلند مکن و نیز آن را آهسته منما. و میان آن دو حد وسط را برگزین! و بگو سپاس خدائی را است که هرگز فرزندی نگرفته و در فرمانروائی او شریک نیست و بر او از راه ذلت و زبونی یاور و سرپرستی نباشد. و بزرگ دار او را بزرگ داشتتی. (۱۱۰ - ۱۱۱)

۱. عنوان زنج در آیه مشعر بر آن است که غایت فروتنی در مردان به خاک مالیدن محاسن آنها در پیش کسی بود.